Payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۸۷۵
یکشنبه / ۱۸ آبان / ۱۴۰۴
۱۸ / جمادی الاول / ۱۴۴۷
09 / November / 2025

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری، سردبیر: بافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار کاوه، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۴۴۳-۳۲۵۳۳۸۳۸-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

فال ۲۰۰ امروز با حافظ

جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز
باطل در این خیال که اکسیر می کنند
گویند رمز عشق مگویید و مشنوید
مشکل حکایتیست که تقریر می کنند

غزل

ز پی مصاف هجران که کمان کشید بر ما
ز وصال مردمی کن، حشری فرست ما را

خاقانی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۱۰	۰۶:۳۷	۱۱:۵۰	۱۷:۰۲	۱۷:۲۱

برگه

آدم وقتی که کسی در انتظارش هست به این سادگی نمی‌میرد...

آلبر کامو

گزارش روز

ماجرای طلاق‌ها و آشتی‌های اینستاگرامی!

در فضای پرتلاطم شبکه‌های اجتماعی، حتی اتفاقی مانند طلاق دیگر یک ماجرای خصوصی نیست و به یکی از جنابِ‌ترین سوژه‌ها برای بلاگرها و تولید محتوا تبدیل شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، در فضای پرتلاطم شبکه‌های اجتماعی، حتی اتفاقی مانند طلاق دیگر فقط یک ماجرای خصوصی نیست و به یکی از جنابِ‌ترین سوژه‌ها برای تولید محتوا تبدیل می‌شود. بلاگرهایی که روزگاری با نشان دادن روزمرگی، حرف‌های انگیزشی، سفرهای هیجان‌انگیز و... مخاطب جذب می‌کردند حالا راه جدیدی برای دیده شدن پیدا کرده‌اند و آن نمایش بحران‌های شخصی است. روندی که بررسی آن نشان‌دهنده تغییر رفتار کاربران در مصرف محتواست؛ هماهنجایی که به دنبال آن هستند که ببینند حق با کدام یک از زوجین است؟ علت طرح مسئله طلاق چیست؟ تکلیف بچه‌ها چه می‌شود و... مسائلی که هم حکایت از تحول در مفهوم زندگی خصوصی در دنیای مجازی دارد و هم می‌تواند توجهات را به ابعاد گسترده‌تری از تأثیرگذاری بلاگر بر مخاطب معطوف کند.

اگر بخواهیم میان قضاوت و روایت تمایز قائل شویم، به نظر می‌رسد دو نوع رفتار در این زمینه شکل گرفته است. گاهی بلاگری با سناریویی از پیش طراحی‌شده ماجرای طلاق یا اختلاف صوری را به نمایش می‌گذارد تا توجه و بازدید بیشتری جمع کند و گاهی واقعاً بحرانی در زندگی زناشویی‌اش رخ داده که ماهیت تنفاش باعث می‌شود فکر کند باید آن را هم به شکل عمومی منتشر کند. در هر دو حالت، مخاطب با تجربه‌ای میان واقعیت و نمایش روبه‌رو می‌شود؛ تجربه‌ای که به‌تدریج حس کنجکاوی او را تحریک می‌کند. در این میان، بلاگری که بخواهد از بیان جزئیات خودداری کند نیز از فشارِ این فضا در امان نیست؛ زیرا وقتی همه چیز زندگی‌اش پیش‌تر در معرض دید بوده، حتی سکوتش هم معنا پیدا می‌کند و ناخواسته او را وادار می‌کند توضیحی بدهد.

سریالِ جدایی و آشتی بلاگرها

این مسئله زمانی پررنگ‌تر می‌شود که چند بلاگر در بازه‌ای کوتاه، ماجرای جدایی از همسر، سختی‌های مسیر طلاق، واکنش اطرافیان و در نهایت بازگشت ماننتقله به زندگی را منتشر می‌کنند؛ همان‌هایی که تا چند هفته پیش در فضای مجازی با هم دعوا می‌کردند، در قالب استوری و پست به هم کنایه می‌زدند و هر مرحله از اختلاف‌شان مانند یک قسمت از سریال منتشر می‌شد.

تکرار این اتفاق حتی وقتی واقعیت داشته باشد، طبیعی به نظر نمی‌رسد و باعث می‌شود بخش قابل‌توجهی از کاربران گمان کنند هدف اصلی، دیده شدن بوده است. چنین اتفاقی نشان می‌دهد که زندگی خصوصی، به‌ویژه زمانی که با اتفاقات مهمی همچون ازدواج و طلاق همراه است می‌تواند به ابزاری برای جلب توجه تبدیل شود. وقتی روایت یک جدایی یا آشتی کردن به زبان تعداد لایک و بازدید سنجیده می‌شود، احساسات واقعی هم شکل مصرفی پیدا می‌کند. در این میان، بلاگرها نیز گاه بدون آنکه خود بخواهند و چون شغلِ در معرض دید بودن را انتخاب کرده‌اند، در گیر همین منطق می‌شوند. در چنین شرایطی زندگی خصوصی محلی برای تولید محتوا است که هر بار باید احساسی‌تر و پرهیاهوتر از دفعه قبل باشد تا همچنان مخاطب داشته باشد.

از دعوا تا آشتی در حضور دیگران

در این میان آنچه واضح است اینکه تقریباً همه مرزها شکسته شده است؛ از خصوصی‌ترین گفت‌وگوهای خانوادگی تا مسائل عاطفی و مالی. همه چیز به محتوای عمومی تبدیل می‌شود. زندگی مشترک، که در ذات خود نیازمند حریم و احترام است، در قالب کلیپ و متن‌های بلند احساسی و کتابی به نمایش درمی‌آید. حالا همان فرادی که در اوج اختلاف همه چیز را مقابل دوربین آورده بودند، ناگهان با لبخند از آشتی و شروع دوباره می‌گویند بی‌آن‌که یادشان باشد در این مسیر چه حرمت‌هایی از میان رفته است. به این ترتیب، مفهوم زندگی شخصی در فضای مجازی معنای خود را از دست داده؛ همه چیز در معرض نگاه دیگران است، حتی بخش‌هایی که روزی جزئی از خلوت انسانی بودند.

فرهنگ‌سازی یا وارونه

اما مسئله این است که به مرور چنین رفتاری فقط در حد چند صفحه مجازی نمی‌ماند؛ وقتی روایت زندگی شخصی با جزئیات در معرض دید قرار می‌گیرد، ناخواسته بر نگاه عمومی هم اثر می‌گذارد. بسیاری از دنبال‌کنندگان با دیدن تکرار این روند، به مرور حساسیت‌شان نسبت به حریم روابط از دست می‌رود. در چنین فضایی، گفت‌وگو و حل‌وفصل اختلافات در خلوت به فضای مجازی می‌آید و حتی برخی از مخاطبان، ناخودآگاه از همان الگو تقلید می‌کنند؛ به‌جای حرف زدن با یکدیگر سکوت می‌کنند و منتظرند واکنش‌ها را در فضای مجازی به نمایش بگذارند. این تغییر تدریجی به‌ظاهر ساده است اما در عمق خود نوعی عادی‌سازی رفتار نادرست است؛ رفتاری که از دل یک صفحه شخصی آغاز می‌شود و آرام‌آرام در شیوه ارتباط گروه‌های مختلف بازتاب پیدا می‌کند.

۲۰ میلیون بازدید یا روایت دادگاه خانواده

اما آیا اساساً جای مسائل تا این حد شخصی در فضای عمومی است؟ شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام، سازوکاری دارند که در آن هرچه محتوا احساسی‌تر یا برتنش‌تر باشد، شانس دیده شدنش بیشتر است. الگوریتم‌ها بر مبنای واکنش کاربران عمل می‌کنند و همین باعث می‌شود روایت‌های شخصی، به‌ویژه درباره روابط عاطفی و خانوادگی، به محتوایی پربازدید تبدیل شوند. تا جایی که مثلاً اگر زنی بعد از جلسه دادگاه خانواده مقابل دوربین بنشیند و ویدئویی پر از اشک و آه منتشر کند، یک آهنگ ماننتقله نیز در پس‌زمینه شنیده شود، همان ویدئو بیش از ۲۰ میلیون بار دیده می‌شود؛ میزانی از بازدید که برای یک محتوای آموزشی یا تخصصی بیشتر شبیه به یک رؤیا است.

اما مسئله فقط الگوریتم نیست؛ بخشی از این نمایش به فرهنگ مخاطب هم برمی‌گردد. در جامعه‌ای که کنجکاوی درباره زندگی دیگران به یکی از اشکال سرگرمی تبدیل شده، واکنش انبوه کاربران به نومی عامل پایداری این چرخه جلب توجه است. در واقع مخاطب و بلاگر هر دو در یک بازی دوطرفه قرار می‌گیرند؛ یکی برای دیده‌شدن، محتوا تولید می‌کند، دیگری برای ارضای حس کنجکاوی، او را دنبال می‌کند.

چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید!

از زاویه‌ای دیگر، می‌توان گفت که طلاق در فضای مجازی به ابزار بازسازی برند شخصی تبدیل شده است. در بازاری اشباع از تولیدکنندگان انواع محتوا، هر اتفاق واقعی فرصتی برای متمایز شدن است. بحرانی مثل طلاق اگر درست مدیریت شود، می‌تواند همان تقسی را بازی کند که پیش‌تر تبلیغات برعهده داشت. روایت طلاق، اگر با جزئیات احساسی و لحظات آشتی پس از فراغ و جدال همراه شود، میلیون‌ها بازدید به همراه می‌آورد و جایگاه فرد را دوباره تثبیت می‌کند. با این نگاه، طلاق دیگر شکست یا اتفاق تلخ نیست و به یک ترفند رسانه‌ای تبدیل شده است!

شتر سواری دولا دولا نمی‌شود

در چنین ساختاری اما بلاگرها میان دو گزاره حفظ حریم خصوصی یا حفظ توجه مخاطب باید انتخاب کنند. بسیاری از آن‌ها، حتی بدون نیت اولیه برای نمایش زندگی شخصی، به مرور درگیر چرخه‌ای می‌شوند که در آن دیده شدن مهم‌تر از هر چیز دیگری است. از این رو وقتی فردی تصمیم می‌گیرد زندگی خود را در معرض دید میلیون‌ها نفر بگذارد، دیگر نمی‌تواند انتظار داشته باشند که مردم تنها نظاره‌گر باشند و قضاوت نکنند. با این حال، برخی بلاگرها پس از انتشار چنین محتواهایی، از حجم واکنش‌ها و قضاوت‌ها گله می‌کنند؛ پیدوهای طولانی منتشر می‌کنند، از مردم می‌خواهند در امور شخصی‌شان دخالت نکنند و یادآوری می‌کنند که «قضاوت فقط کار خداست».

اما واقعیت این است که این انتخاب خودشان بوده است؛ انتخابی آگاهانه یا ناآگاهانه برای بازی در میدانی که قانون نانوشته‌اش همین است: اگر چیزی را منتشر کردی، باید آماده دیده شدن و شنیدن نظرات هم باشی. در نهایت، آنچه شاهد آن هستیم نومی تناقض رفتاری است؛ می‌خواهند دیده شوند اما از قضاوت هم در امان باشند.

این شرایط اما در حالی رخ می‌دهد که برخی از بلاگرهایی که ماجرای طلاق یا اختلاف را به نمایش می‌گذارند، پیش‌تر با محتوای انگیزشی، روانشناسی یا توصیه درباره زندگی روزمره فالوور جمع کرده‌اند. آن‌ها در ابتدا تصویری از آرامش، خودشناسی و مثبت‌اندیشی ارائه می‌کردند اما حالا وقتی جزئیات بحران‌های زندگی خود را در معرض دید می‌گذارند، اثرگذاری قبلی بر مخاطب کاهش می‌یابد و نومی تناقض در ذهنش ایجاد می‌شود.

سریالی با بازیگران افتخاری

این روند به جایی رسیده است که خانواده بلاگرها نیز به مرور وارد روایت می‌شوند. مادر، پدر یا خواهر و برادر در واکنش به پرسش‌های دنبال‌کنندگان، استوری و پست می‌گذارند و عملاً بخشی از بازیگران این نمایش می‌شوند. این حضور اعضای خانواده نشان می‌دهد که مرز میان حریم خصوصی و زندگی مجازی چقدر تنکننده شده و چگونه حتی مسائل عاطفی و شخصی خانواده نیز بهانه تولید محتوا می‌شود.

در نهایت، ماجرای طلاق بلاگرها نمونه‌ای از روندی گسترده‌تر است؛ روندی که در آن زندگی شخصی به بخشی از اقتصاد توجه و ابزار دیده شدن تبدیل شده است. هر بحران و هر لحظه احساسی، فرصتی برای دیده شدن است. این چرخه مرز میان صداقت و نمایش را کمرنگ کرده و مخاطب را در موقعیتی قرار می‌دهد که نمی‌تواند واقعیت و سناریو ساختگی را از هم تشخیص دهد.

برش

تأثیرگذارترین امپراتوری‌ها در تاریخ جهان؛ از هخامنشی تا عثمانی

در این نوشتار، ۹ سلسله تأثیرگذار در تاریخ جهان را معرفی کرده‌ایم؛ از امپراتوری روم تا مغول‌ها که تشکل دهنده امپراتوری‌ها، فرهنگ و تمدنی فراگیر بوده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرادید، از امپراتوری قدرتمند روم که تمدن غرب را از راه قانون، معماری و حکومت شکل داد تا امپراتوران چینگ که شرق آسیا را به سوی مدرنیته هدایت کردند، به یک معنا «سلسله‌ها» تاریخ جهان را تعریف کرده‌اند.

این امپراتوری‌ها و خاندان‌های سلطنتی قدرتمند، سرزمین‌های وسیعی بنا کردند، مسیرهای تجاری پیشرفته‌ای مانند جاده ابریشم ایجاد کردند و بنیان‌های فرهنگی، علمی و سیاسی تشکل دادند که هنوز در جهان امروز اثرگذار است.

۱. امپراتوری روم (اروپا، ایتالیا) ۲۷ پیش از میلاد – ۴۷۶ میلادی): رومی‌ها بخش زیادی از اروپا را متحد کردند و بنیان‌های قانون، معماری و حکومت غرب را بنا نهادند. شبکه جاده‌ها و آبراه‌های آن‌ها زندگی شهری را متحول کرد و زبان لاتین به وسیله آن‌ها گسترش یافت و پایه بسیاری از زبان‌های مدرن اروپا شد.

۲. امپراتوری هخامنشی (غرب آسیا، ایران، ۵۵۰ – ۳۳۰ پیش از میلاد): حکمرانان هخامنشی سیستم اداری پیشرفته‌ای ایجاد کردند و با ترویج مدارا و تجارت در آسیا، آفریقا و اروپا ارتباطات بین‌المللی را گسترش دادند. جاده مشهور شاهی آن‌ها نمونه اولیه‌ای از یک شبکه جهانی ارتباطی بود.

۳. سلسله هان (شرق آسیا، چین، ۲۰۶ پیش از میلاد – ۲۲۰ میلادی): امپراتوران «هان» هویت و حکومت چین را تثبیت کردند، ایده‌های کنفوسیوس را گسترش دادند و نوآوری‌هایی مانند کاغذسازی، نجوم و شبکه جاده ابریشم را توسعه دادند.

۴. امپراتوری ماوریا (جنوب آسیا، هند، ۳۲۱ – ۱۸۵ پیش از میلاد): در زمان آشوکای بزرگ، امپراتوری ماوریا بخش بزرگی از هند را متحد کرد و بودیسم و سیاست‌های رفاه اجتماعی را ترویج کرد که قرن‌ها بر حکومت‌های آسیا اثرگذار شد.

۵. امپراتوری مغول (آسیای مرکزی، ۱۲۰۶ – ۱۳۶۸ میلادی): مغول‌ها بزرگ‌ترین امپراتوری متصل زمینی در تاریخ را ساختند و مسیرهای تجاری گسترده‌ای در اوراسیا باز کردند که تبادل فرهنگی و تکنولوژیکی را تسریع کرد.

۶. خلافت اموی (خاورمیانه، ۶۶۱ – ۷۵۰ میلادی): امویان قلمرو بزرگی در خاورمیانه را تحت سلطه خود داشتند و اگرچه در زمان حکومتشان از جانب گروه‌های متنوعی از مسلمانان به‌عنوان حاکمانی نامشروع شناخته می‌شدند، اما به هر حال با گسترش مرزهای حکومت اسلامی، تاثیری قابل توجه بر دنیای روزگار خود گذاشتند.

۷. خلافت عباسی (خاورمیانه، ۷۵۰ – ۱۲۵۸ میلادی): مسلمانان در دوران خلافت عباسیان پیشرفت‌های علمی، فرهنگی و اداری قابل توجهی داشتند و بغداد را به یکی از مراکز مهم فرهنگی جهان تبدیل کردند.

۸. امپراتوری عثمانی (آناتولی، ترکیه، ۱۲۹۹ – ۱۹۲۲ میلادی): عثمانی‌ها بیش از ۶۰۰ سال حکومت کردند و بخش‌های بزرگی از اروپا، آسیا و آفریقا را اداره کردند.

۹. سلسله چینگ (شرق آسیا، چین، ۱۶۴۶ – ۱۹۱۲ میلادی): چینگ‌ها چین را به دوران مدرن نزدیک کردند و تأثیرات فرهنگی و سیاسی آن‌ها هنوز در شرق آسیا مشهود است.

نکات جالب درباره سلسله‌ها

طولانی‌ترین سلسله: امپراتوری عثمانی بیش از ۶۰۰ سال دوام آورد.
سازنده بخش‌های اصلی دیوار چین: سلسله هان
امپراتوری با بیشترین قلمرو همزمان: امپراتوری مغول
سلسله‌ای که حقوق بشر اولیه را ترویج داد: هخامنشیان، به ویژه منشور کوروش بزرگ

اشاره

زنگ خطر امنیت غذایی

در میان انبوه شاخص‌های نظام پولی و بانکی کشور یک شاخص مهم و کلان به نام کفایت سرمایه وجود دارد این شاخص بیان‌کننده نسبت سرمایه بانک به تسهیلات پرداخت‌شده است؛ به عبارت ساده‌تر هرقدر سرمایه اولیه بانک بیشتر باشد قدرت تسهیلات‌دهی آن افزایش پیدا می‌کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، حالا اگر در سبد تسهیلات بانکی سهم وام‌های تکلیفی افزایش پیدا کند و متناسب با آن افزایش سرمایه نداشته باشد، درصد شاخص کفایت سرمایه یا سر متقوط می‌کند؛ نتیجه آن که قدرت تسهیلات‌دهی بانک کاهش و ریسک اعتباری آن افزایش می‌یابد. براساس آخرین استانداردهای بین‌المللی که نهاد نظارتی کمیته بال اعلام کرده، حداقل نسبت کفایت سرمایه در بانک‌ها باید ۸درصد باشد، اما این نسبت در برخی از بانک‌های ایران تا ۳درصد هم می‌رسد.

این موضوع آنجا مهم‌تر می‌شود که بدانیم اقتصاد ایران اساسا بانک‌محور است؛ یعنی اگر امروز دولت و مجلس بر تقویت امنیت غذایی تاکید دارند راه تحقق آن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است. این سرمایه‌گذاری هم محقق نخواهد شد مگر قدرت تسهیلات‌دهی بانک تخصصی این بخش افزایش پیدا کند.

براساس داده‌های منتشره تا پایان سال ۱۴۰۳، سرمایه ثبت‌شده بانک کشاورزی برابر با ۳۵/۹ هزار میلیارد تومان بوده که پس از تعدیلات و زیان انباشته، سرمایه نظارتی بانک به حدود ۱۲/۱ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. نسبت کفایت سرمایه بانک نیز به ۴۱/۴ درصد رسیده که بسیار پایین‌تر از حداقل ۸درصدی کمیته بال است. این عدد نشان‌دهنده فشار سنگین از ناحیه تسهیلات تکلیفی بر سرمایه بانک است.

این وضعیت می‌تواند علاوه بر محدودیت در اعطای تسهیلات، کاهش اعتبار در بازارهای بین‌المللی، از دست دادن ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و حتی تهدید ثبات مالی بانک را در پی داشته باشد. بررسی مدل‌های نظارتی نشان می‌دهد به ازای هر یک درصد افزایش سرمایه حدود ۲۱۵ هزار میلیارد ریال به سرمایه نظارتی بانک اضافه می‌شود. سقف سرمایه‌گذاری بانک تا ۲۰ درصد ارتقا می‌یابد و سقف تسهیلات کلان تا ۸ برابر رشد خواهد کرد.

در حال حاضر با توجه به این که قریب به ۷۰ درصد تسهیلات بخش کشاورزی توسط بانک تخصصی این حوزه پرداخت می‌شود و این بانک با پرداخت ۳۴۰ همت تسهیلات در سال گذشته عملا ۴۳ همت مازاد بر توان و ظرفیت خود تسهیلات پرداخت کرده در قدم اول برای رسیدن به حداقل نسبت کفایت سرمایه به ۱۶/۶ همت سرمایه جدید نیاز دارد، اما اگر حاکمیت قصد توجه جدی به امنیت غذایی و سرمایه‌گذاری در این بخش مولد را دارد، برای رشد قدرت تسهیلات‌دهی سرمایه این بانک باید حداقل ۷۰ همت افزایش پیدا کند.

در قانون برنامه هفتم توسعه کشور دولت مکلف شده تا سال پایانی برنامه برای اصلاح نسبت کفایت سرمایه بانک‌های دولتی مبلغ ۹۰۰ همت اختصاص دهد که از این مبلغ ۲۰۰ همت باید در قالب بودجه ۱۴۰۴ کشور محقق شود. براساس قانون، این افزایش سرمایه می‌تواند از محل آورده نقدی یا از طریق انتشار اوراق مالی اسلامی، افزایش سرمایه از محل مطالبات، افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و افزایش سرمایه از محل سود انباشته و سود خالص سالانه تامین شود اما تاکنون سازمان برنامه‌وبودجه در مورد میزان و سهم هر بانک از افزایش سرمایه ۲۰۰ همتی سخنی به میان نیاورده است.

برخی کارشناسان معتقدند وقتی سیاست‌های دولت بر تقویت بخش تولید و مولد اقتصاد متمرکز شده توجه به بهبود وضعیت بانک‌های تخصصی اجتناب‌ناپذیر است؛ به عبارت ساده‌تر نمی‌توان نسبت به وضعیت بانک‌هایی که پرداخت تسهیلات تکلیفی و توسعه‌ای بخش مولد اقتصاد و مهم‌ترین رکن آن یعنی کشاورزی و امنیت غذایی بر دوش آنها قرار دارد بی‌توجه بود.